

نگرشی بر تأثیر زیر ساخت‌های اندیشگانی احمد دانش در کتاب نوادرالوقایع در باب زنان

معصومه دهقان شیری^۱، دکتر علی اصغر بوند شهریاری^۲، دکتر آسیه ذبیح‌نیا^۳، دکتر حسین یزدانی^۴

۱- نویسنده مسئول دانشجوی دکتری دانشگاه پیام نور

۲- استادیار دانشگاه پیام نور

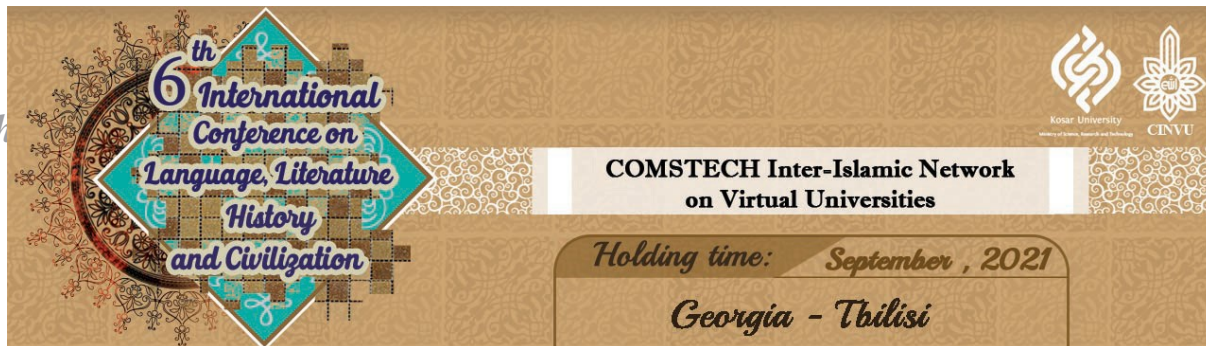
۳- دانشیار دانشگاه پیام نور

۴- استادیار دانشگاه پیام نور

چکیده

کتاب نوادرالوقایع احمد دانش (۱۸۲۷-۱۸۹۷ م) یکی از نویسندگان مشهور تاجیک و سرآمد جریان معارف روری در آسیای میانه، حاوی مطالب فرهنگی، اجتماعی، دینی، فلسفی و کلامی مهمی است. بخشی از این کتاب به جایگاه زنان و مسایل مربوط به آنان اختصاص دارد. در این مقاله سعی می‌شود منشأ و ریشه‌های عقاید احمد دانش در خصوص زنان در کتاب نوادرالوقایع بررسی شود. پرسش اصلی این است که با توجه به نگاه وی نسبت به زن که بعضاً منفی است؛ حاکمیت کدام تفکر فلسفی، کلامی یا عرفانی این روشنفکر و نخبه جامعه آنروز بخارا، را بر آن داشته که زنان را از جامعه بشری مستثنا نموده؛ هویتی مستقل برایشان قائل شود؟ وی بر اساس مطالعه آثار گویندگان پیش از خود از جمله کتب مذهبی، کلامی، فلسفی و دیوان اشعار و شرایط حاکم بر جامعه آنروز و احتمالاً مشکلات خانوادگی خود در خصوص زنان به قضاوت می‌نشیند. مهمترین مطالب وی راجع به زنان و ارتباط آنها عبارت است از: ارتباط مادر شوهر و عروس، مادر زن و داماد، ضعف ماده و نقصان عقل، جمود و بی‌ارزشی، ستیزه‌گری، منع ازدواج، ازدواج با زنان با اصل و نسب، کم سن و سال، بی‌سواد، بی‌کس، فقیر. کتاب نوادرالوقایع اثری بسیار ارزشمند است و احمد دانش دانشمندی بزرگ، ولی نظرات او در خصوص زنان که بصراحت در کتاب بیان شده خواننده را به تأمل وامی‌دارد. در این مقاله سعی شده است دلیل این نگرش منفی بررسی شود.

کلید واژه: احمد دانش، نوادرالوقایع، ازدواج، مسایل زنان، اسرائیلیات، تصوف، آسیای میانه



۱- مقدمه

۱-۱ بیان مسئله

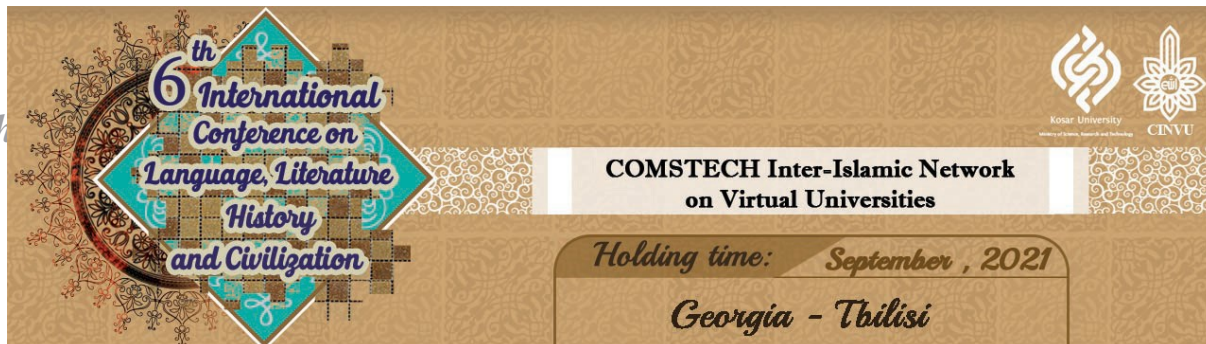
زن و مسائل مربوط به او از ابتدایی‌ترین دوران‌ها مورد توجه بوده و تفاوت بین دو جنس زن و مرد و علت و معلول‌های آن در جوامع، ادیان و فرهنگ‌ها مورد بحث قرار گرفته است. این موضوع هیچگاه برای بشریت حل نشده و همواره اندیشمندان از جمله علما، فلاسفه، مذهب‌یون از هر فرقه و آیینی درباره آن نظر داده‌اند. در این میان، ظن غالب بر این است که زن به دلیل متأخر بودن در آفرینش و همچنین ویژگی‌های جسمی و روحی، در درجه‌ای پایین‌تر از مرد قرار دارد و جنس دوم شناخته می‌شود؛ اما درجه این ثانوی بودن در جوامع مختلف متفاوت است. مسئله مهم اینست که بشریت دارای دو جنس متشکل از زن و مرد است که به حکم انسان بودن هر یک حقوقی دارند ولی به دلایل ذکر شده حقوقی که جامعه برای زن در نظر گرفته قابل مقایسه با حقوق جنس مرد نبوده و غالباً به عنوان جنس ضعیف‌تر شناخته شده است. «متاسفانه با ترجمه‌ی متون هندی از زبان سانسکریت در روزگار ساسانیان و راه یافتن حکایت‌ها و قصه‌های این سرزمین به نثر فارسی و ترجمه‌ی متون یونانی و عبرانی پس از اسلام و وارد شدن حکمت و فلسفه یونانی و اسرائیلیات، گذشته از سودمندی‌های ناشی از برخورد آرا و نزدیکی اندیشه‌های تمدن‌های گوناگون به یکدیگر، موجبات ورود نگرش‌های زن ستیز در ادبیات فارسی را نیز فراهم کرده است.» (حسینی، ۱۳۹۹: ۹۴) احمد دانش فردی دانشمند و ادیب است که در قرن نوزدهم میلادی در آسیای میانه سکونت دارد. وی کتابی به نام «نوادر الوقایع» تألیف نموده که حاوی مباحث متنوعی است از جمله: مسایل اجتماعی، خانوادگی، سیاسی، مذهبی، فلسفه، کلام و گاهی تصوف. وی در خلال سخنان خود مطالبی راجع به زنان نوشته که با توجه به تفکرات جامعه مردسالار در آن روزگار غرابت چندانی ندارد و مشابه نظریات برخی گویندگان ایرانی در طول تاریخ است؛ ولی در برخی موارد نظریات وی بیش از آنچه انتظار می‌رود زن ستیزانه بوده که نمی‌توان برای آن پیشینه‌ای در قرآن و احادیث یافت. در این پژوهش ضمن بیان نگاه وی به جنس زن، مسئله ازدواج و حقوق زن و مرد نسبت به هم و زیر ساخت فکری وی بررسی شده است. مطالب مقاله از متن کتاب نوادرالوقایع (نسخه خطی) استخراج گردیده است.

۱-۲ پرسشهای پژوهش

- در نظر احمد دانش زنان در خانه و اجتماع دارای چه جایگاهی هستند؟
- تعالیم اسلامی و جو حاکم بر جامعه، چه تاثیری بر نگرش وی نسبت به زنان دارد؟
- نگاه احمد دانش به زنان تحت تاثیر کدام اندیشه است؟

۱-۳ فرضیه‌های پژوهش

- احمد دانش برای زنان جایگاه اجتماعی و انسانی قابل قبولی قائل نیست و آنها را در ردیف کم‌عقلان قرار می‌دهد.



- برخی دیدگاه‌های وی راجع به زنان ناشی از برداشت نادرست او از تعالیم اسلام و بعضاً تحت تاثیر جوّ جامعه و فرهنگ آن روز است. با بررسی دقیق نظرات وی، می‌بینیم برخی از آنها با تعالیم اسلام و سیره نبوی در تعارض است.
- وی بیشتر تحت تاثیر تفکر برخی صوفیه، اسرائیلیات و جوّ و فرهنگ حاکم بر جامعه‌اش قرار دارد.

۴-۱ پیشینه پژوهش

کتاب نوادرالوقایع هنوز در ایران چاپ نشده است و در مورد احمد دانش تنها دو مقاله علمی - پژوهشی نوشته شده که ارتباطی به بحث این مقاله ندارد؛ اما درباره جایگاه زنان در ادبیات تحقیقات زیادی انجام شده و کتابها و مقالاتی نوشته شده است که به برخی آنها اشاره می‌شود:

بوند شهریاری، علی اصغر (۱۳۹۶) جنبش معارف پروری در آسیای میانه و تأثیر آن بر ادبیات معاصر تاجیک، نامه فرهنگستان، ش ۶۲، صص ۳۵-۱۷.

ابراهیمی، سیده فهیمه (۱۳۹۹) بازشناسی منطق علمی معارف پروران بخارایی (مطالعه موردی تفکر سیاسی احمد دانش)، مطالعات تاریخ اسلام، سال دوازدهم، ش ۴۵، صص ۶۹-۴۲.

اعزازی، شهلا (۱۳۸۲) جامعه شناسی خانواده با تاکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، چ ۳، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

امینی، ابراهیم (۱۳۹۲) آیین همسرمداری یا اخلاق خانواده، تهران: اسلامی.

انصاریان، حسین (۱۳۷۴) نظام خانواده در اسلام، قم: ام اییها.

جلالی کندری، سهیلا (۱۳۸۳) زن مسلمان، پرده نشینی یا حضور اجتماعی، تهران: دانشگاه الزهرا.

حسینی، مریم (۱۳۹۹) ریشه‌های زن ستیزی در ادبیات کلاسیک فارسی، تهران، چاپ پنجم، نشر چشمه.

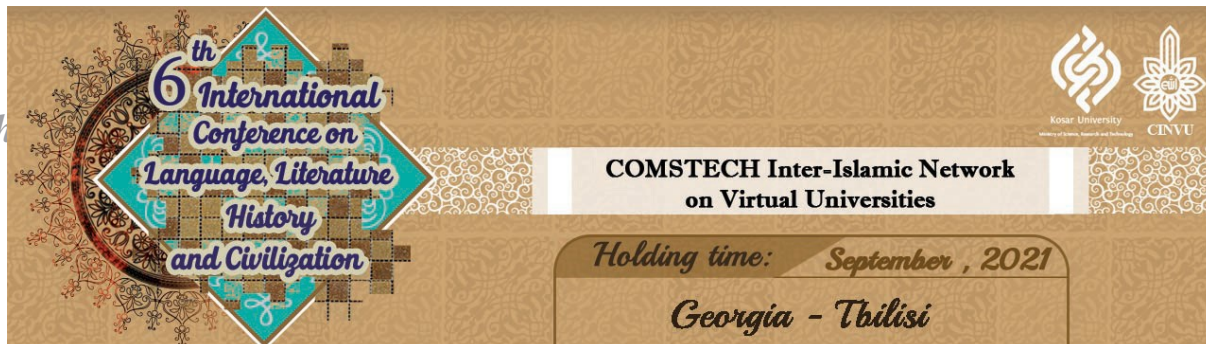
حیدری، مجتبی (۱۳۸۵) دینداری و رضامندی خانوادگی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۵-۱ اهداف

- شناخت دیدگاه نخبگان جوامع پیشین نسبت به زن و جایگاه وی در اجتماع.
- بررسی دلایل نگرش اجتماعی و تاثیر پذیری نخبگان از تفکر غالب در میان علما و فلاسفه.

۶-۱ ضرورتها

اهمیت مسئله زن و جایگاه وی در جامعه ایجاب می‌کند که به دلایل و پیشینه تفکرات بزرگان پیشین راجع به او توجه شود؛ بویژه این که در دوره معاصر نقش زنان در جامعه بسیار گسترش یافته و از نظر علم و تکنولوژی با مردان رقابت می‌کنند؛ در ضمن با توجه به اینکه کتاب نوادرالوقایع در ایران به چاپ نرسیده و ادیبان ایرانی خیلی با احمد دانش و



کتاب و نظراتش آشنایی ندارند و از طرفی بخاطر بزرگی احمد دانش و تاثیر بسزایش در فرهنگ و بخصوص معارف پروری در تاجیکستان و ادبیات تاجیک و نوع نگاه خاص او به زنان، این مقاله نوشته شده است.

۱-۲ روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام می‌گیرد. به این ترتیب که ابتدا کلیه نظرات نویسنده راجع به زنان و هر آن چه به آنها مربوط است استخراج شده سپس با مراجعه به کتاب مذهبی، کلامی، فلسفی مطالب راجع به زن و حقوق و جایگاه وی مطالعه شده، سپس به تحلیل نظریات احمد دانش و نحوه تأثیر پذیری وی از اندیشه‌ها و یا از اجتماع زمان خود، می‌پردازیم.

۲- مفاهیم نظری تحقیق

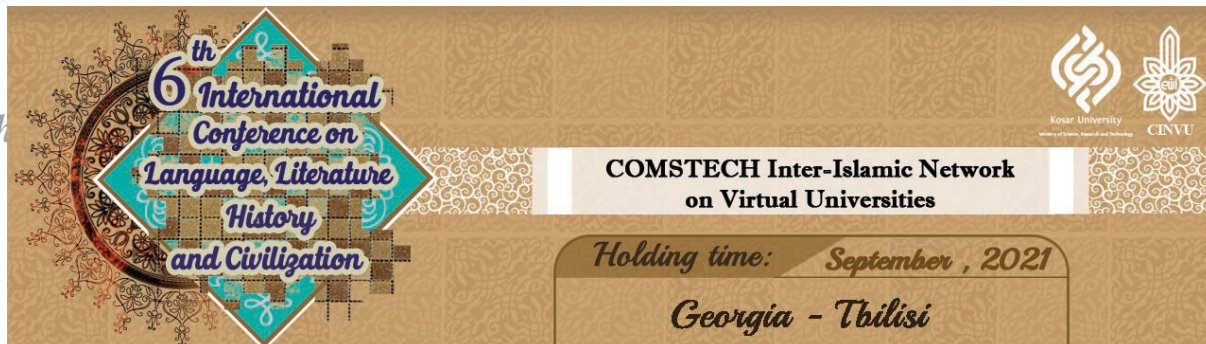
۱-۲ احمد دانش و کتاب نوادرالوقایع

احمد دانش اندیشمند، شاعر، معمار، خطاط، منجم تاجیک و بنیانگذار جریان معارف پروری آسیای میانه است که در بخارا به دنیا آمد. البته بخارا در زمان دانش دیگر آن آوازه درخشان که روزگاری مرکز فرمانروایی شهریاران دانش پرور و آزاده‌ای چون نصر بن احمد بود و درباری که شکوه معنوی به دستگاه پرطمطراق خلیفه بغداد پهلو می‌زد نیست. بلکه سرزمین فلاکت زده‌ای با فرمانروایی از سلسله مغیثیان لبریز از استبداد و انحطاط و فساد و ظلم و ستم و فقر است. در مدارس و مکتب‌های این دوره علوم غیر دینی جایگاهی ندارد که هیچ، بلکه آموختن علوم غیر دینی و آزاد اندیشی کفر و گناه قلمداد می‌شود. (هادی‌زاده، ۱۹۸۸: ۲۹۹) دانش که بسیار باهوش بود از همان اوان کودکی شعر می‌سرود، خوب نقاشی می‌کرد و در هنر خوشنویسی توانا بود، به سبب همین هوش و ذکاوت علاوه بر علوم رسمی مدرسه، علوم دیگری چون: طب، نجوم و معماری را خود آموخت و توانست خیلی زود به دربار امیرنصرالله راه یابد و مسؤل معماری و مهندسی دربار شود. دانش در سال ۱۸۵۷ با همراهی هیأت سفارت خانات شهر بخارا وارد سن پترزبورگ شد. پس از آن دو بار دیگر نیز به روسیه سفر کرد و به واسطه این سفرها دایره جهان‌بینی او بسیار گسترش یافت. دانش دارای آثار و تالیفات بسیاری است؛ اما مهم‌ترین اثری که وی در پرتو آن به شهرت فراگیر رسید، کتاب «نوادرالوقایع» است که آن را به مدت ۱۵ سال (۱۸۷۵-۱۸۹۰ م) نوشته است. وی در آثارش مسائل اسلامی و آیین متعالی آن را مطرح کرد و چهره نورانی اسلام را مصور ساخت؛ اما متأسفانه چهره زن در کتاب نوادرالوقایع بسیار منفی معرفی شده است.

۳- بحث و بررسی

نگاهی به نظرات احمد دانش درباره زنان

در حوزه مباحث زنان، به چند نکته باید توجه داشت؛ زنان خواه ناخواه در ارتباط با مردان قرار دارند و در تولید مثل نقش داشته و تربیت نسل‌ها در دست آنهاست. از سویی در اسلام حقوقی برای آنها در نظر گرفته شده است که در کنار حقوق



مردان مطرح می‌شود. به این ترتیب مسایل مربوط به زنان در ابعاد: فردی، خانوادگی و اجتماعی قابل بررسی است. در بعد فردی، مسائلی چون آفرینش و ارزش آنها مطرح می‌گردد و نگاه قانون‌گذار به این بُعد زن، جایگاه خانوادگی و اجتماعی وی و حقوق فردی او را مشخص می‌کند. مباحثی مانند: دیه، ارث، قضاوت، شهادت در این حوزه جای می‌گیرد. جایگاه زن در خانواده شامل همسررداری و رابطه با فرزندان است و حقوق متقابل آنها بر یکدیگر و بُعد اجتماعی نیز حضور زن در تصمیم‌گیری‌های کشوری و نقش او در اقتصاد است که در این کتاب مطرح نمی‌شود. مطالب و نظراتی که احمد دانش در خصوص زنان و ویژگیهای آنها بیان می‌کند بسیار قابل تأمل و بقول خودش نشان از عدم شناخت کاملش نسبت به زنان و عدم حضور زنان در جامعه آنروز در اجتماع و شاید بخاطر اختلافات خانوادگی خود اوست. او از زن خاصی صحبت نمی‌کند و تصویری از مادر، همسر خود یا زنان نزدیکش را نشان نمی‌دهد؛ بلکه بطور کلی تمام زنان را یکسان به تصویر می‌کشد. دانش کلاً به برتری مردان بر زنان اعتقاد دارد؛ در جایی با آوردن آیه‌ای از قرآن حقوق مرد و زن را برابر می‌داند و می‌گوید که مرد و زن در حق‌گذاری و حق‌طلبی برابری و بلافاصله با آوردن آیه دیگری می‌گوید که زنان را نرسد که با مردان دم مساوات بزنند و معتقد است که زن از دنده چپ آفریده شده و کجی دارد که قابل راست شدن نیست. (دانش، بی تا: ۴۴-۴۵) البته این عقیده او از اسرائیلیاتی است که وارد اسلام شده است. در کتاب مقدس، آفرینش حوا به عنوان موجودی دست دوم است که از دنده‌ی آدم آفریده شده است. (مهریزی، ۱۳۸۲: ۴۲) در کتاب یادداشتها که تألیف صدرالدین عینی، نویسنده و شاعر تاجیکی که پنجاه سالی از دانش کوچکتر است و در جوانی با دانش همدوره بوده است؛ نیز به حکم آداب آن روزگار از زنان که محکومان غرور و تعصب بودند، تنها شبی دیده می‌شود؛ زن در حکم سایه مرد است، نه شریک زندگی و همسر او. نویسنده یادداشتها داستانهایی را از وضع زنان زمانش در کتاب می‌آورد که بیشتر جنبه دلسوزی و انتقاد از وضع و شرایط آنان در جامعه دارد. او برخلاف دانش اصلاً از زنان انتقاد نمی‌کند.

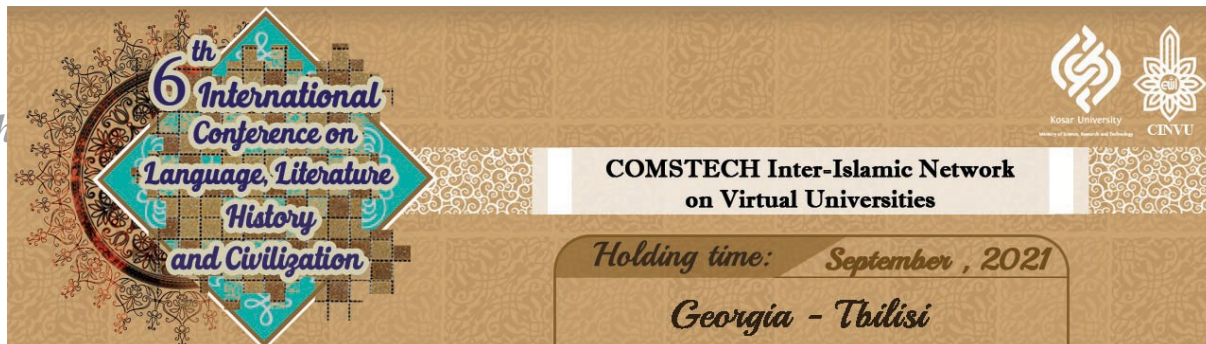
۱-۳ زن در بعد فردی در دیدگاه احمد دانش

۱-۱-۳ زنان ضعیف المزاج و ناقص الماده‌اند

یکی از مباحثی که دانش در باب هم‌صحبتی زن و مرد مطرح کرده این است که مردان از مصاحبت زنان ملول می‌شوند و در عوض زنان از این مصاحبت شادند. وی زنان را ضعیف المزاج و ناقص الماده می‌داند و معتقد است؛ مردان قوی المزاج و کامل‌المواد هستند؛ به همین دلیل در کنار زنان شاد نیستند. بنابراین زنان در کنار مردان خوشحال و مسرور و منتفع هستند و برعکس مردان در مجلس زنان ملول و متضرر. (دانش، بی تا: ۲۱۰)

البته باید گفت این نگاه مربوط به سنت‌گرایان است که زن را به دلیل وابستگی به مرد عضو ناقص و درمانده دانسته‌اند. (ساوجی، ۱۳۷۱: ۴۰)

این دیدگاه گرچه نزدیک به دیدگاه فلاسفه و مفسرین و روایات اهل سنت است، در مواردی هم بزرگان عرفان و تصوف اعتراف نموده‌اند که میان زن و مرد تفاوتی نیست؛ چنانکه گولپینارلی در شرح مثنوی می‌گوید: «اگر زن یک نیمه



مرد باشد مرد هم نیمه زن است بنابراین زن و مرد با هم برابرند. کلمه مردان در آیه «مردان از آن جهت که خدا بعضی را بر بعضی برتری داده است و از آن جهت که از مال خود نفقه می‌دهند بر زنان تسلط دارند». (نساء/۳۴) به اعتقاد صوفیه کسانی هستند که به مرحله کمال رسیده‌اند، اگر چه از جنس زنان باشند». (گولپینارلی، ۱۳۷۱: ج ۱: ۶۹۳) در آیات و احادیث اسلام اشاره‌ای به ناقص‌الماده بودن زن نشده است. در خلقت انسان خداوند زن و مرد را بصورت یکسان ولی با ویژگی‌های متفاوت آفرید تا هر دو چون دو تیکه پازل کامل‌کننده یکدیگر باشند.

۲-۱-۳ زن و مرد در ماده خلقت با هم تضاد دارند

به نظر دانش از نظر علمی هم، زن و مرد با هم یکی نیستند. او طبع زن و مرد را متفاوت دانسته و چنین می‌گوید: «چون که ذکورت گرم‌تر است و آن سعد و علوی و ماهیت آنوئت سرد یابس و این نحس و سفلی، حکیم مطلق تعالی و تقدس این دو طبع را به همدیگر مقابل آفرید». (دانش، بی‌تا: ۲۱۰) این در حالی است که متفکران اسلامی طبع زن را گرم‌تر از مرد دانسته‌اند: «احساسات زن جوشان‌تر است و زود تحت تاثیر آن قرار می‌گیرد و مرد سرد مزاج‌تر از زن است». (مطهری، ۱۳۷۵: ۱۷۴)

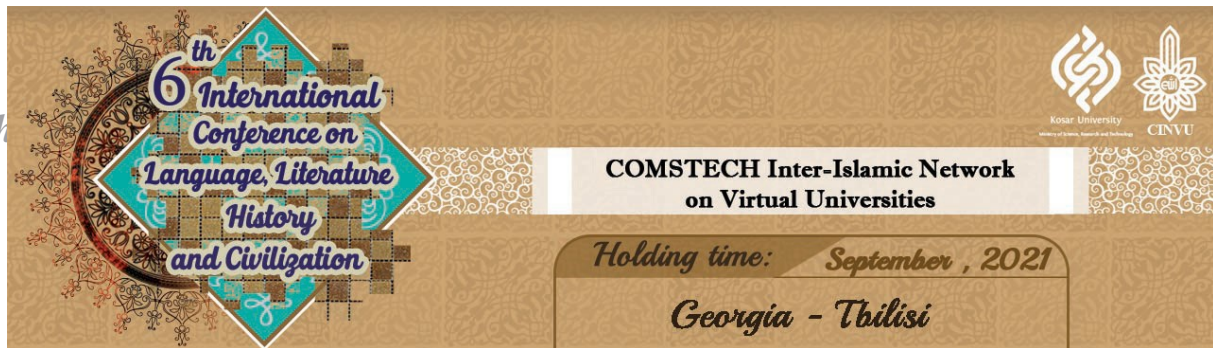
از نظر وی جنس مرد برتر از زن بوده و زن در مرتبه پایین‌تر و پست‌تر آفرینش قرار دارد هر دو همواره در مقابل و ضد یکدیگرند؛ بنابراین بین آنها همیشه خصومت و غوغاست. (ر.ک: دانش، بی‌تا: ۲۱۱) البته در قرآن خلاف گفته او وجود دارد: «و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خود شما برای شما آفرید، تا در کنار آنها آرامش یابید». (روم/۲۱) هم‌چنین آیات بسیاری در تساوی رتبه و شان زن و مرد در قرآن کریم آمده است.^۱ و هیچ آیه‌ای در قرآن یافت نمی‌شود که بطور کلی یک قانونی را بیان کرده باشد که مردان از حقوق بیشتری نسبت به زنان برخوردار دارند؛ مگر در مواردی خاص که در آنها برای حفظ تعادل میان حق و مسئولیت نکاتی را بیان کرده است.

دانش دارای پیشینه ذهنی است و پیش فرض‌هایی را در شناخت زنان به کار می‌برد. به همین دلیل نمی‌تواند نیکی آنها را باور کند و در کل به ذات آنها مشکوک است. وی چنانکه در ادامه خواهد آمد زنان را تأثیر پذیر و دارای جمود فکری می‌داند و همچنانکه از جامدات و اشیا انتظار می‌رود وی هر نوع اعتراض و اظهار نظر از سوی زنان را نفی نموده اطاعت کامل را از سوی زن قبول دارد؛ به همین جهت حقیقت وجودی زن بر وی پوشیده است و رفتارهای عادی وی را از نوع ناسازگاری می‌داند.

۳-۱-۳ نقص عقلی و دینی زنان

بر اثر برداشت نادرست و تأویل سطحی آیات قرآن و احادیث توسط شعرا و حکما و نویسندگان و از آنجا که همواره قلم در دست مردان بوده و اکثر زنان در قدیم از نعمت سواد محروم بودند؛ تعبیر غلط ناقص‌العقل بودن زنان رواج یافته و به ادبیات و آثار تعلیمی راه یافته است. البته امروزه با رشد اجتماعی زنان و تغییر شرایط اجتماعی و یکسان شدن زمینه

احزاب/۳۵، حجرات/۱۳، غافر/۴۰، نساء/۱۲۴ و ۱۱۲، فصلت/۴۶، جاثیه/۱۵، آل عمران/۱۹۵، مدثر/۲۸، مائده/۵۱



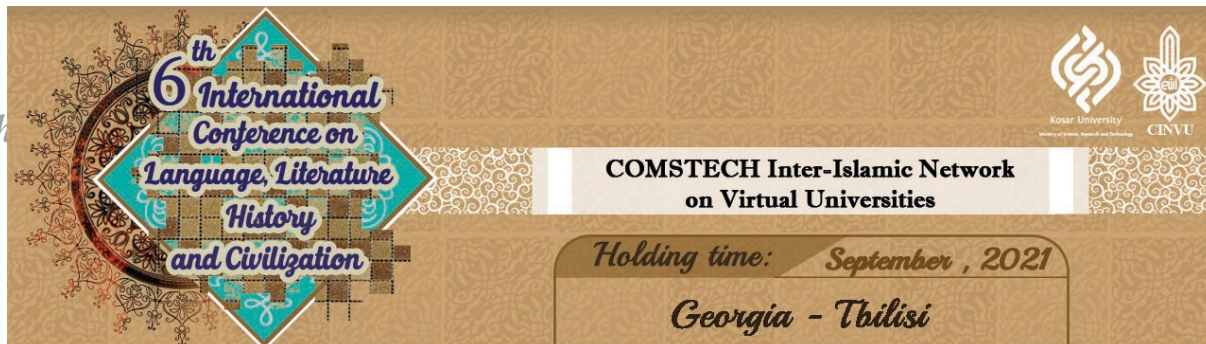
برای پیشرفت زنان و مردان این گونه تعابیر بسیار کمرنگ شدند. یکی از منابعی که برداشت نادرست از آن باعث شده برخی همه زنان را ناقص عقل بدانند؛ خطبه ۷۹ نهج البلاغه است که حضرت علی پس از جنگ جمل زنان را نکوهش نموده و آنان را ناقص عقل شمرده است. (ر.ک: نهج البلاغه - خطبه ۸۰) البته سخنان حضرت علی در نهج البلاغه در این خصوص ارتباطی با کل زنان در همه ادوار ندارد؛ بلکه مربوط به زمانی است که زنان از سواد و دانش محروم بوده از اخبار جامعه بی خبر مانده‌اند. همچنین سخن امام علی راجع به نقص زنان درباره زنی است که باعث به وجود آمدن جنگ جمل و کشته شدن صدها انسان بی گناه شده است. (ثقفی، ۱۳۸۰: ۳۳)

مهریزی معتقد است برای این حدیث سند متصلی وجود ندارد و منبع قابل استنادی هم برای آن نیامده است. (مهریزی، ۱۳۸۲: ۹۲)

البته باید متذکر شد در گذشته زن را عملاً از امکانات بی بهره و از فرصت‌ها محروم نموده و از کسب علم و معرفت بر حذر داشتند سپس بناحق او را ناقص‌العقل و پست‌تر از مرد قلمداد کردند و گفتند زن قادر به فکر کردن و خلق و ابداع مثل مرد نیست. (تیلا، ۱۳۷۱: ۷۴)

دانش یکی دیگر از دلایل بی‌عقلی زنان را این طور تفسیر می‌کند که خداوند چنین مقرر کرده که آنها زبون مردان باشند و بر آلودگی ایام حیض و بارداری صبر داشته باشند. (دانش، بی‌تا: ۲۱۴) همچنین او معتقد است که خداوند زن را ناقص آفریده زیرا اگر قرار بود زنان چون مردان کامل عقل باشند؛ زن و مرد در دنیا به مؤالفت و مؤانست تام می‌رسیدند و از فکر مبدأ و معاد باز می‌ماندند. این گفته دانش درست برعکس کلام خداوند در قرآن است که فرموده زن را آفریده تا مرد در کنارش آرامش پیدا کند. (اعراف/۱۸۹) یکی دیگر از دلایلی که دانش برای نقص زن و پستی او نسبت به مرد ارائه می‌دهد نقش وی در مادی نمودن فرزند است. به نظر دانش، مردان دارای ویژگی‌های معنوی و روحانی هستند و به عالم بالا تعلق دارند؛ در حالی که زن به عالم خاک تعلق دارد و جمع میان این دو موجب می‌شود که فرزند ویژگی‌های معنوی و مادی را با هم داشته باشد؛ در غیر این صورت و اگر هر دو مانند هم بودند فرزند به یک سمت کشیده می‌شد و معنوی یا مادی می‌شد که هدف خلقت انسان این نبوده است. «وسایط و اسباب درونی قوای نفسانی‌اند و شهبانی و وسایط و اسباب بیرونی اول مادر باشد». (دانش، بی‌تا: ۲۱۷)

منظور دانش این است که انسان در ابتدای امر مادّیت را از مادر و معنویت را از پدر می‌گیرد و سپس با تقویت بعد معنوی به کمال می‌رسد و زمانی که مرد شد دیگر از مادّیت در آن اثری نیست و از طرفی اگر تربیت فرزند بر عهده پدر باشد، همه انسانها کامل می‌شوند و بدین گونه غیر راستی و درستی از مزاج خلق، چیزی ظاهر نشود و صفات انتقامیه و قهریه خداوند در خفا می‌ماند. (دانش، بی‌تا: ۲۱۷) پیداست که این سخنان وجهی نداشته و در هیچ یک از کتب آسمانی از جمله قرآن و احادیث چنین مطالبی ذکر نگردیده است.



۴-۱-۳ وضعیت زن در قیامت

دانش با بیان حدیثی از پیامبر که فرمود: «ای زنان بیشتر شما اهل آتش هستید. ... زیرا شما زیاد لعن می‌کنید و نسبت به عشیره خود کافرید». (کلینی، ۱۳۸۸: ۵۱۳ و ۵۱۴) اکثر زنان را اهل دوزخ می‌داند؛ البته این گونه احادیث که با عدل و حکمت خداوند و آیات قرآن در تضاد هستند، محل بحث علما و فضلاست. علامه مجلسی می‌گوید: معانی کفر مختلف است و در این روایت به معنی نادیده گرفتن نعمت است. (مجلسی، ۱۴۰۴ هـ. ۳۵ و ۳۶) برخی از مفسران این گونه احادیث را ضعیف و جعلی می‌دانند و معتقدند که با خلق پیامبر سازگاری ندارد و می‌گویند؛ این احادیث منعکس کننده تفکر جاهلی در حق زنان است. در صورت صحّت نیز ظاهر حدیث نشان می‌دهد که خطاب با همه زنان نیست و در جمع خاصی از زنان گفته شده که دارای ویژگی کفران و لعن کنندگی هستند.

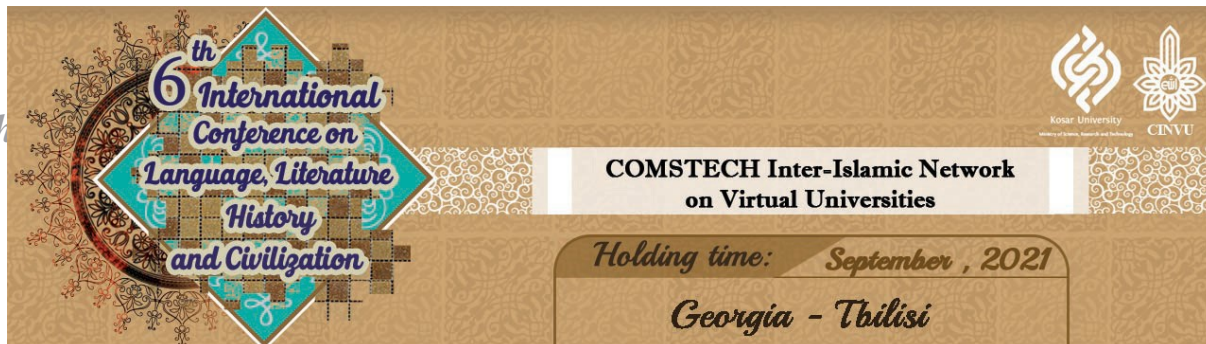
در روایت دیگری هم زنان بهشتی بسیار نادر توصیف می‌شوند مثل ندرت کلاغ سفید میان کلاغ‌ها (احمد بن حنبل، بی‌تا: ۱۹۷) براساس این گونه اخبار گویا خداوند سبحان زنان را برای جهنّم و مردان را برای بهشت خلق کرده است. (سبحانی، ۱۴۱۴ هـ. ق ۱۲۸-۱۲۷) البته توجه به اینگونه اخبار و احادیث در میان مفسرین متصوفه اهل سنت رواج دارد. دانش نیز که سنی حنفی است از همین نظریات بهره برده است. در حالیکه مفسرین راویان شیعه کمتر به این نوع اخبار توجه نشان داده‌اند. (ر.ک: صدوق، ۱۳۶۷: ۴۶۲۷، الفوزان، بی‌تا: ۸۸، امین، ۱۳۶۱: ج ۳: ۳۷۱،)

ابن عربی از فلاسفه اهل سنت است که برخلاف نظرات دانش زن و مرد را از نظر وجودی و انسانیت و ایمان یکی دانسته و اعتراف می‌کند که تفاوتی میان آن دو نیست. وی حتّی به امامت زنان بر مردان نیز اعتقاد دارد. (ر.ک: ابن عربی، ۱۳۹۶: ۴۶، فتوحات مکیه، ج ۳: ۸۸).^۱ مقصود اینکه مردان و زنان در درجه کمال با هم اجتماع و اشتراک دارند. در فتوحات مکیه نیز روی این نکته تأکید می‌کند که مردان و زنان در انسانیت با هم انبازند و مردان را از این حیث بر زنان برتری نباشد. (جهانگیری، ۱۳۷۵: ۴۴۵) همچنین «ابن عربی زن را بهترین مجلا و مظهر پروردگار می‌داند و وصلت با وی را هم تراز اتحاد با خدا ذکر می‌کند.» (ستاری، ۱۳۸۴: ۲۳۵)

متاسفانه دانش اکثر زنان را اهل دوزخ دانسته و پا را فراتر از دیگر ادبا و شعرای زن ستیز می‌گذارد و در ادعایی عجیب آنان را پایین‌ترین مرتبه وجود بحساب می‌آورد که ارزش و اعتباری ندارند؛ بلکه آنها را هیزم دوزخ می‌خواند: «پس زنان که مظلوف وجود آفرینش‌اند همچو جلد دانه و پوست بیضه از مرتبه اعتداد و اعتبار ساقط باشند. از جلد همان دانه مطلب است و از بیضه همان چوزه.^۲ جلد دانه و پوست بیضه جمادی بیش نبود الا آنکه رونق افزایی مطبخ و گلخن را به کار آید.» (دانش، بی‌تا: ۲۱۲) همچنین (ر.ک: ۵۵۶)

^۱ شارح قیصری حدیث مزبور را به صورت ذیل نقل کرده است: «کملت من النساء اربع مریم بنت عمران و آسیه امرأة فرعون و خدیجه و فاطمه (س)». (قیصری، شرح فصوص، ص ۴۵۲).

^۲ جوجه



بانو امین در تفسیر عرفانی خود می‌گوید: «بدانند وعده خدا حق است که «اجیب دعوه المَظْطَرین» اجابت میکنم دعوت هر کس را که روی دل بمن آرد و اینکه ضایع نمیکم عمل هیچ عمل‌کنندگی را مرد باشد یا زن». (امین، ۱۳۶۱: ج ۳: ۳۷۱)

همچنین زن را همانند استخوان پهلوی می‌داند که کجی آن قابل راست شدن نیست. (دانش، بی‌تا: ۲۵۴)

البته دانش بعد از این همه زن ستیزی، خود اعتراف می‌کند که در مورد زنان چیز زیادی نمی‌داند و نظراتش را در خصوص آنان از روی ظن و گمان نوشته است. (ر.ک: دانش، بی‌تا: ۵۵۵)

۲-۳ زن در بعد خانوادگی از دید احمد دانش

۱-۲-۳ ازدواج

یکی از مهمترین نقش‌هایی که به زن مربوط می‌شود ازدواج است. هسته اولیه تشکیل جوامع بشری خانواده است. سعادت هر جامعه‌ای را باید در استواری بنیاد خانواده جستجو نمود. ازدواج تنها راه تشکیل خانواده است و در اسلام بسیار به آن سفارش شده است و همواره جوانان به ازدواج تشویق شدند. در کتابهای مهم حدیث بر اهمیت ازدواج تأکید شده است. (ر.ک: کلینی، ۱۴۱۰ و ۵؛ حرّعاملی، ۱۳۶۷، ۵/۴، مجلسی، ۱۴۰۳ هـ ۱۳/۱۰۳/۲۲۰)

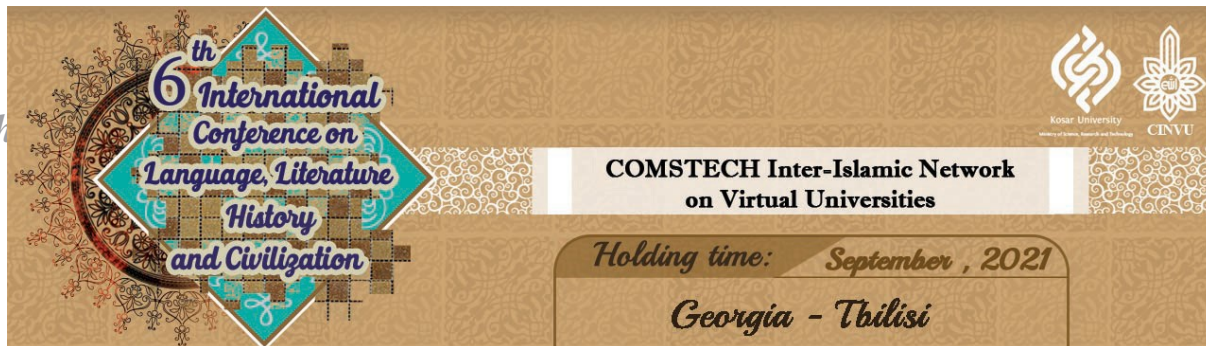
دانش فصلی را بطور مفصل به ازدواج اختصاص داده؛ در خصوص شرایط و فواید ازدواج. حقوق مرد و زن در برابر هم و علت برخی از مشکلات و طلاق بحث کرده است.

وی با بیان احادیثی که از پیامبر نقل شده مانند: «فی التزویح برکه: در ازدواج برکت است». «النکاحُ سُنّتی: ازدواج سنّت من است». «محب الی من دنیا کمثلات: الطیب و النسا و قره عینی فی الصلوه: سه چیز در دنیا نزد من عزیز است: بوی خوش، زن و نماز که نور چشم من است». (دانش، بی‌تا: ۲۲۹) چنین استدلال می‌کند که این احادیث در وصف زنان عرب است. «زیرا که عفت و حیا و پاکی در عشق و طهارت اخلاق، از صفات زنان عرب است؛ به خلاف زنان عجم، خاصه بلاد تُرک که زنان و مردان آبروی عصمت و عفت را به خاک خباثت و نجاست ریخته‌اند». (دانش، بی‌تا: ۲۳۰)

اولویت دانش در زندگی عبادت است و می‌گوید: «اگر نه مصلحت عام و سدّ ابواب تناسل گشتی، صاحب شریعت (ص)، منع ازدواج فرمودی». (دانش، بی‌تا: ۲۳۲)

۲-۲-۳ طلاق

دانش در خصوص طلاق نیز توصیه‌هایی دارد. ابتدا طبق نظر اسلام طلاق را مباح نمی‌داند الا به ضرورت. (دانش، بی‌تا: ۲۵۵) احکام طلاق را بیان می‌کند و چون طلاق را حق مرد می‌داند توصیه می‌کند با تلطف عذری آورد و زن را با دادن هدیه‌ای دلخوش کند و طلاقش بدهد. البته تأکید می‌کند که بعد طلاق سرّ زن خود را بیوشاند و عییش را آشکار نکند. او در خصوص طلاق نیز مشکلات را بیشتر از سوی زنان می‌داند. (دانش، بی‌تا: ۲۵۶) در فصل اول کتابش که در خصوص



حقوق والدین و فرزندان صحبت می کند، به یکی از معضلات جامعه که اختلاف عروس و مادر شوهر و مادرزن و داماد است اشاره می کند و یکی از دلایل عمده طلاق را دخالت آنها می داند و می گوید: در طینت زنان کجی است؛ همچنان در طینت مادرشو و مادرزن پس مردان به اغوای آنها از جای نروند. (دانش، بی تا: ۴۵) به نقل از حامد بیگ یکی از دوستان نزدیک دانش، وی یکبار ازدواج کرده و همسرش را طلاق داده و از او جدا زندگی می کرده است. «زنش را باشد کی ها از خود جدا کرده است که وی در آن وقتها مردگی بود.» (عینی، ۱۳۶۱: ۳۴۵) البته در هیچ جا دانش از همسرش نامی نمی برد و هیچ اشاره ای به اختلاف و جدائش نمی کند. شاید نظرات منفی او نسبت به زنان از همین اختلافات با همسرش ناشی شده و او بطور ضمنی زندگی خود را بتصویر می کشد.

۳-۲-۱ ویژگی های زن ایده آل دانش

الف. اصل و نسب

منظور این است که از خانواده آبرومند معروفی باشد تا به خاطر حفظ آبرو با مشقات زندگی و شوهرداری کنار بیاید و اعتراض و بی صبری نکند: داشتن اصل و نسب موجب می شود وی فرمانبردار و صبور باشد. (دانش، بی تا: ۲۴۲) وی بهترین ویژگی را برای زنان داشتن اصل و نسب می داند و توضیح می دهد؛ زنان با اصل و نسب، باحیا، باوقار، فرمانبردار و صبورند که رنج خانه داری و تندخویی شوهر را تحمل می کنند و زنان بدون اصل و نسب، خودسر، نافرمان، زیاده طلب و اهل کوچه و بازار رفتن هستند. (دانش، بی تا: ۲۴۲) اما بعداً تاکید می کند زن باید بی سواد و فقیر و بی کس باشد که اصولاً زنان اصیل و شریف، باسواد و متمکن و باخانواده هستند.

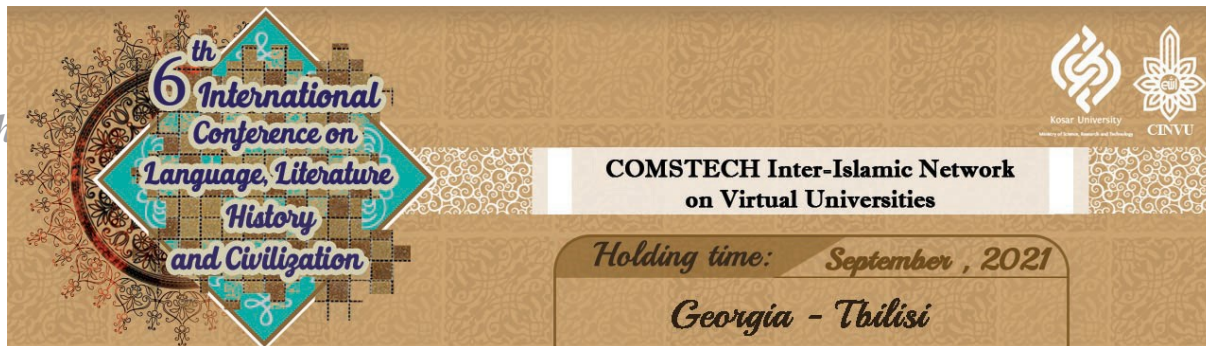
ب. بدون اولیاء و پشتوانه باشد

یکی از مشکلات خانوادگی زمان دانش اختلافات عروس و مادرشوهر و داماد و مادر زن است که دانش در کتابش در خصوص آن مفصل صحبت کرده است. او به دلیل این اختلافات معتقد است زن اگر مادر و پدر و برادر نداشته باشد شوهرش کمتر دچار اختلافات خانوادگی می شود. (دانش، بی تا: ۲۴۳)

ج. فقر

به عقیده دانش اگر زن قبلاً در ناز و نعمت بوده باشد قدر شوهرش را نمی داند و باید فقیر باشد تا وقتی به خانه شوهر می رود آنجا را بهتر دیده و قدرشناس شود.

مفلس و رنج و سختی کشیده باشد تا وقتی در نعمت شوهر قرار می گیرد قدر وی را بداند. (دانش، بی تا: ۲۴۴) او یکی از آفات زندگی زناشویی را ثروت زن می داند؛ زیرا مرد هر کاری بکند برای او کم است و او انتظار بیشتری دارد؛ «زیرا تصور و تحیل زن مافوق این مرد بود؛ فلاجرم عیش مرد مختل می شود و کار به گفتگو می کشد.» (دانش، بی تا: ۲۲۵-۲۲۶)



د. کم سن و سال

در سفارشات بزرگان دین نیز چنین آمده است که دختران در هنگام بلوغ یا حتی پیش از آن ازدواج کنند تا به فساد نیفتند و تنها مردی که از هنگام بلوغ می‌بینند شوهرشان باشد. دانش نیز می‌گوید:

کم سن و سال و در حد بلوغ و چشم و گوش بسته باشد. (دانش، بی تا: ۲۴۵) این نظر نیز از شخصیتی مثل دانش پذیرفته نیست زیرا دختری که هنوز به سن رشد فکری نرسیده نمی‌تواند درک درستی از زندگی زناشویی و اخلاق همسراری داشته باشد؛ اما باید این مطلب را در نظر داشت که در دوره زندگی دانش چنین افکاری حاکمیت دارد و او نیز از جامعه مستثنی نیست. در کتاب یاداشتهای عینی از ازدواج دختری نه ساله با مردی چهل ساله، سخن به میان می‌آید که عروس پس از زفاف بعثت جثه کوچک می‌میرد. (عینی، یادداشتها: ۳۸۲)

۵. بی سوادی

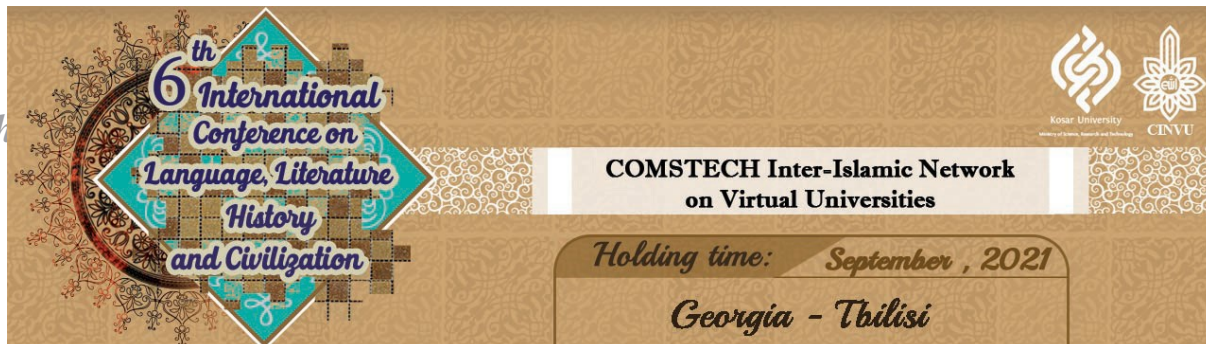
برای این شرط دو دلیل می‌آورد:

بی سواد باشد تا حکایات عاشقانه نخواند و با سند سازی دنبال حقوق خود نرود. (دانش، بی تا: ۲۴۶) در یادداشت‌های عینی از دختری بنام حبیبه نام می‌برد که با سواد است. او عاشق است و شعرهای عاشقانه می‌خواند و سرانجام بخاطر مخالفت پدر با ازدواج با مرد مورد علاقه‌اش بنزد قاضی می‌رود و با اجازه او ازدواج می‌کند. برای این با بی سواد زن موافق بودند که فکر می‌کردند، زن با سواد گستاخ و غیرقابل کنترل خواهد بود. این نظر از مرد روشنفکری که قبل از رفتن به مدرسه، خواندن و نوشتن را در مکتب‌خانه از مادر با سواد خود آموخته بعید و دور از ذهن بنظر می‌رسد؛ ولی متاسفانه جو حاکم بر اجتماع، نخبگان جامعه را نیز اسیر تفکرات غلط می‌کند.

همچنین می‌گوید: «چندان زیبا نباشد که به مرد فخر نفروشد و توجه مردم به او نباشد. (دانش، بی تا: ۲۴۷) وی در تمام شروطی که برای زنان ذکر کرده نفع مردان را در نظر گرفته و زنان را دارای هیچ اختیار و حقی ندانسته؛ آنها را در قید مرد می‌پسندد؛ با این وجود وقتی دانش از جو حاکم بر جامعه دور می‌شود؛ در مسافرت‌های خود به روسیه زنانی را می‌بیند که در نظر او برتر از زنان سرزمین خودش هستند و از زیبایی و رفتار آنها تعریف می‌کند. (دانش، بی تا: ۳۳۶)

و. خانه‌نشینی

با آوردن این سخن حضرت فاطمه که: «بهترین زن آنکه هیچ مرد ایشان را نبیند و ایشان هم هیچ مرد نبیند»؛ می‌گوید: یکی از ویژگی‌های خوب زنان این است که در خانه بنشینند و هیچ مردی را غیر از شوهر خود نبینند. از نظر دانش «بیشتر زنان را آفت از مجالس زنان و نظاره مردان می‌خیزد. و بالجمله از هرچه توقع افساد بود منع فرماید و همه آفت‌ها مرد و زن را از چشم آید و از رفتن به کوچه و بازار و دویدن به بام و در». (دانش، بی تا: ۲۵۴) مشخص است که دانش و افرادی همچون او بیشتر توجه خود را به گفتار و نوشتار اهل بیت و ائمه داده و به سیره عملی توجه نداشته‌اند. در حالی که در سیره حضرت فاطمه چنین می‌بینیم که وی در قضیه غصب فدک، شخصاً برای احقاق حق خود اقدام نموده و کار خود را به اقدام همسر موکول نکرده است. حضرت زینب نیز در محضر یزید مقابل مردان نامحرم، به ضرورت سخنرانی می‌کند



و با توجه به این موارد می توان اذعان داشت توصیه ندیدن نامحرم و خانه نشینی برای موارد عدم ضرورت بیرون رفتن از منزل و رویارویی بی دلیل و غیر ضروری با مردان است؛ نه توصیه ای کلی برای همه زمانها. سیاح مجاری، آرمینیوس وامبری که تقریباً همزمان با حیات دانش به بخارا سفر کرده نیز، به در خانه ماندن زنان و عدم حضورشان در جامعه اشاره می کند: « مخصوصاً زن های بخارا که نسبتاً سبزه خوشکل هم هستند، مبتلا به زخمهایی می شوند که جای آن در صورتشان باقی می ماند و به زیبایی آنها سخت لطمه وارد می سازد، شاید هم علت آن، این باشد که معمولاً همیشه خانه- نشین هستند و کمتر حرکت می کنند. (وامبری، ۱۳۷۰: ۲۲۹)

۲-۲-۳ اهداف ازدواج

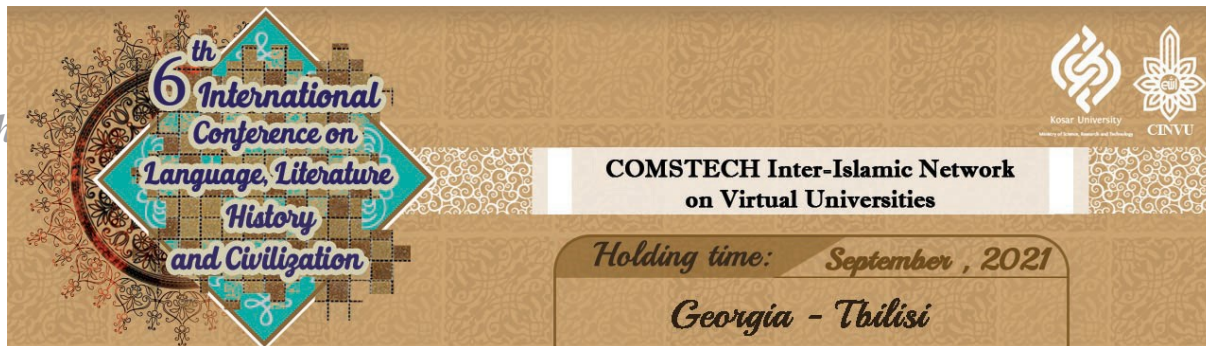
وی پس از این که مفصل در مضرات ازدواج سخن می گوید؛ ناگزیر از این است که دلیل توصیه بزرگان به ازدواج را بیان کند به همین دلیل به شرح فواید آن نیز می پردازد آنچه در مورد فایده ازدواج بیان می شود مواردی است که در احادیث آمده و متضمن منفعت معنوی است:

الف. توالد و تناسل

هدف مهم ازدواج از دید وی با استناد به احادیث، آوردن فرزند و تربیت صحیح او در راه تعالیم الهی است. بدین صورت در مرتبه اظهار و آفرینش امداد و معاونت بوجود می آید و دو دلیل آفرینش که عبادت خالق و عمارت جهان است، به وسیله تناکح و تزوج و بقای نوع بشر به ظهور می رسد. (دانش، بی تا: ۲۵۱) وی خلق شهوت را هم به همین دلیل می داند که زن و مرد به هم مایل شوند تا ازدیاد نسل صورت بگیرد. برخی از علما گفته اند: «نکاح فاضل تر است از آنکه به نوافل عبادت پردازند». (دانش، بی تا: ۲۵۱) این سخنان برگرفته از تعالیم پیامبر است که در کتب متصوفه نیز آمده است. غزالی در کیمیای سعادت همین دلیل را برای نکاح آورده است (ر.ک: غزالی، ۱۳۸۳: ج ۱: ۳۰۴) دانش از قول پیامبر زن زشت زاینده را بر خو بروی عقیم ترجیح داده چرا که زن تنها وسیله ازدیاد نسل است. (دانش، بی تا: ۲۵۱)

ب. حفظ دین

حفظ دین از اهدافی است که برای ازدواج ذکر شده و تمام عرفا و متصوفه نیز بر این واقف بوده در کتب خود اشاره نموده اند. در کیمیای سعادت که از جمله کتب متصوفه است نیز این مطلب ذکر شده است. (ر.ک: غزالی، ۱۳۸۳: ج ۱: ۳۰۴) با وجود این که دانش بر اساس احادیث، ازدواج را کامل کننده دین و دور کننده از وساوس دانسته، بیشتر عذوبت را ترجیح داده است. او از سویی با اشاره به حدیث پیامبر ازدواج را مایه حفظ دین می شمرد و می گوید: «از فواید ازدواج حفظ دین است؛ چه هر کس که ازدواج کند نیمی از دین خود را حصار کرده است و آن کس که ازدواج نکند غالب آن بود که چشم از نظر و دل از وسوسه نگاه نتواند داشت». (دانش، بی تا: ۲۵۲) از سویی ازدواج را مانع عبادت و طاعت خدا می داند و معتقد است پس از ازدواج به دلیل مشکلات و گرفتاری های مرد از وی طاعت و عبادتی به صدق و حضور نیاید و آن چه انجام بدهد بدون وسوسه و عجله نیست و از طرف دیگر اشغال و علایق مرد را فرو گیرد و وی از کسب حلال در طلب شبهه افتد. (دانش، بی تا: ۲۲۳)



ج. راحتی و تجدید قوای مرد

با وجود همه صفات بدی که برای زنان برشمرده، اعتراف می‌کند که مرد برای آرامش گرفتن و تجدید قوای از دست رفته نیاز به زن دارد: «دیگر آنکه مؤانست یابد به دیدار زنان و راحتی به دل حاصل شود و قوای نفسانی و طبیعی را مددی از خارج رسیده بود. به سبب مجالست و مزاح با ایشان؛ چه مواظبت بر طاعت و عبادت ملامت آورد و دل کوفته و ضعیف شود از جهت مواد عنصری و این راحت آن قوا را تجدید کند». (دانش، بی‌تا: ۲۵۲)

با توجه به حقوقی که دانش برای مرد برشمرده اگر زنی وظایف خود را آنچنان که شوهر می‌خواهد، انجام دهد؛ موجب آرامش وی خواهد شد. (ر.ک: دانش، بی‌تا: ۲۵۸) اما دانش این راحتی را محال دانسته و زندهای دوره خود را فاقد ویژگی‌های مثبتی می‌داند که برای آرامش لازم است. (ر.ک: دانش، بی‌تا: ۲۲۲-۲۲۱)

د. راحتی مرد از پرداختن به امور خانه

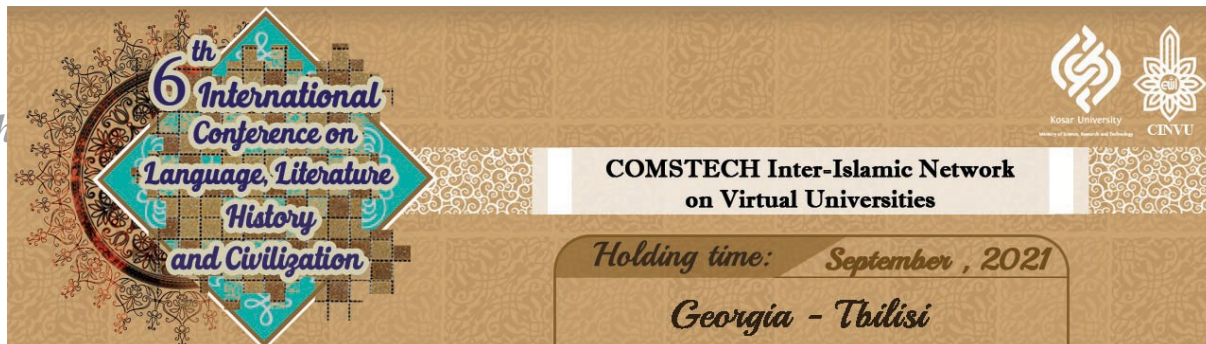
یکی از فواید ازدواج این است که مرد به کارهای خانه نپردازد. این موضوع در کتب عرفانی هم عنوان شده که مرد باید مشغول به عبادت باشد و از وجود زن برای کارهای خانه استفاده کند. «دیگر فایده تأهل آن است که زن تیمار و تعهد خانه را متصدی باشد که اگر مرد بدان مشغول گردد از علم و عمل و عبادت باز ماند و بدین علت زن نیک، یاور بود در راه دین». (دانش، بی‌تا: ۲۵۲) دانش با این نظر، علم و عبادت بیشتر را مخصوص مردان می‌داند. غزالی نیز فایده چهارم ازدواج را در تیمارداری زن می‌داند: (ر.ک: غزالی، ۱۳۸۳: ج ۱: ۳۰۵) در برابر این نظرات، حدیثی از پیامبر است که خدمت مرد در خانه را توصیه می‌کند و ثواب آنرا حتی از عبادت بالاتر می‌داند: «یا علی، یک ساعت خدمت کردن مرد در خانه از عبادت هزارساله و هزار حج و هزار عمره بهتر است». (شعیری، ۱۳۶۳: ۱۰۲-۱۰۳)

ه. کفاره گناهان

با توجه به مطالبی که در خصوص زنان در کتب متعدد مذهبی و عرفانی آمده دانش بنا را بر این نهاده که توصیه به ازدواج با زنان و همصحبتی آنان نوعی تنبیه برای مردان به حساب می‌آید. وی زن را موجودی می‌داند که وجودش مایه گرفتاری است و تحمل او کفاره گناهان است. (دانش، بی‌تا: ۲۵۳) این مطلب نیز همانند نظرگاه غزالی در کیمیای سعادت است: «کفایت کردن مهمات ایشان و نگاه داشتن ایشان بر راه شرع جز به مجاهدتی تمام نتوان کرد، و آن مجاهدت از فاضل‌ترین عبادات است». (غزالی، ۱۳۸۳: ج ۱: ۳۰۶) دانش صفحاتی متعدد را به دلیل اختلاف زن و مرد اختصاص داده و همه دلایل او مبتنی بر بدی‌های زنان و اشتباه مردان و خیالات واهی آنان است که گمان به نیکی زنان و ازدواج داشته‌اند.

۳-۲-۲-۳ علت تحقیر زنان و مخالفت با ازدواج

دانش با سخنان ضد و نقیض راجع به ازدواج سخن می‌گوید و با وجود اشاراتی که به نیکی ازدواج کردن و توصیه پیامبر دارد، در موارد بسیاری ازدواج را منع می‌کند. این ضد و نقیض بودن بر می‌گردد به اشراف دانش به کتب صوفیه که دو گرایش را نسبت به ازدواج بیان می‌کنند. در رسایل کاشانی دو نگرش منفی و مثبت نسبت به ازدواج تشریح شده است.



وی آفات تجرید و آفات ازدواج را از زبان متصوفه بیان می‌کند و می‌گوید یکی از دیدگاه‌های منفی از آن رابعه است که ازدواج را تنها از دید شهوانی نگریسته و آنرا منع می‌کند و خود نیز راضی به ازدواج نمی‌شود. (ر.ک: کاشانی، ۱۳۸۰: ۵۵)

مردانی که ازدواج را منع کرده و آنرا با سلوک در تنافی می‌دیدند به فتنه‌گری زنان اشاره می‌کنند و این که عیال و فرزند موجب هلاکت هستند. (ر.ک: کاشانی، ۱۳۸۰: ۵۴-۵۵)

مثلاً هجویری خود اذعان می‌کند که ازدواج برای وی آفت بوده است. (ر.ک: هجویری، ۱۳۷۵: ۴۷۵)

۴-۲-۳ رفتار با زنان

در همه آیین‌ها برای زن و مرد حقوقی در نظر گرفته شده است که در صورت ازدواج بر آنها واجب می‌شود. غالباً حقوقی که برای مرد شمرده می‌شود بیش از حقوق زن است: «زنان را بر شوهران حقوقی است در عرف مثل حقوقی که شوهران بر زنها دارند لکن مردان را بر زنان مزیتی است». (امین، ۱۳۶۱: ج ۲: ۳۱۴)

با توجه به نگاه خاص جامعه آروز و دانش به زن، حقوقی که برای آنان در نظر می‌گیرد در واقع حق نیست بلکه دنباله همان مطالبی است که راجع به زنان و بدخوبی آنها گفته است.

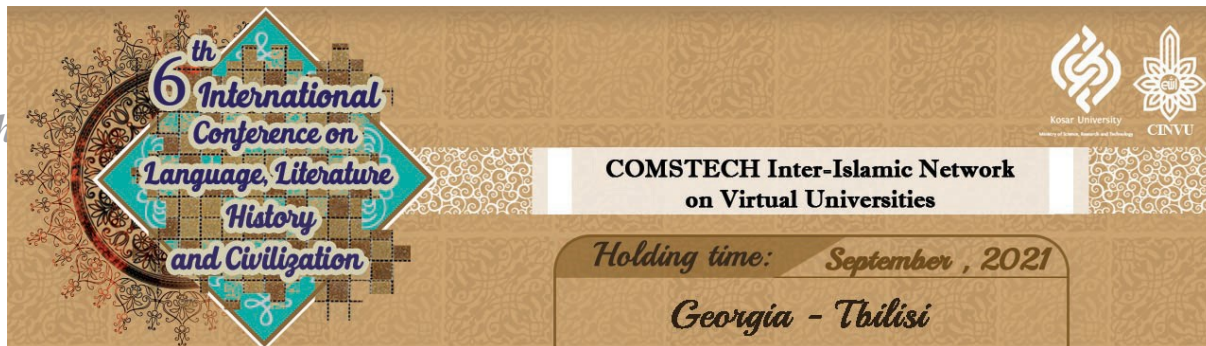
الف. مهربانی و تحمل بر رفتار آنان

دانش بر این نکته تأکید دارد که مرد باید با اهل خانه خود شوخی کند و بداخلاق نباشد: «چنان که پیامبر با اهل خویش چون کودکی بود در لعب». (دانش، بی تا: ۲۵۴-۲۵۳) غزالی از قول خلیفه دوم همین مطلب را بیان کرده است: «و عمر (رض)، با جد و درشتی وی در کارها، می‌گوید: «مرد باید که با اهل خویش چون کودکی باشد و چون از وی کدخدایی درخواهد، آنگاه چون مردان باشد». (غزالی، ۱۳۸۳: ج ۱: ۳۱۵)

او می‌گوید مرد باید با زن خوش رفتار باشد البته نه بدین معنی که ایشان را نرنجاند؛ بلکه سعی کند بر محالات و ناسپاسی آنها صبر کند و رنج ایشان را بکشد؛ زیرا زنان از ضعف و عورت مخلوق شدند؛ پس داروی ایشان خاموش بودن و مداوای عورت ایشان، خانه بر آنها زندان کردن است. (دانش، بی تا: ۱۷۲) این معنی به همین شکل، در کیمیای سعادت نیز آمده است: «و معنی خوی نیکو نه آن باشد که ایشان را نرنجاند، بلکه رنج ایشان بکشد و احتمال کند. (غزالی، ۱۳۸۳: ج ۱: ۱۱۵)

ب. تنبیه کردن

مطالبی که راجع به تنبیه زنان نوشته طبق دستور خداوند در قرآن است و نظر شخصی ندارد. در وقت نشوز و عدم اطاعت با زن مهربان باشد. ابتدا او را به طاعت فراخواند و اگر زن اطاعت نکرد در جای خواب به او پشت کند و در صورت عدم سازگاری سه شب از او جدا بخوابد و اگر نه آنگاه او را بزند ولی نه در حدی که عضوش بشکند و به او آسیب برسد و اگر زن در کار دین کوتاهی کرد یک ماه بر او خشم گیرد. (دانش، بی تا: ۲۵۶)



ج. رعایت حقوق زناشویی

از آنجا که اسلام برای کوچکترین مسائل زندگی احکام دارد در خصوص مصاحبت زن و مرد نیز دستوراتی داده است. مرد نباید چون حیوانات بدون مقدمه و مُلاعبه و مُلامسه و بوسه با زن مصاحبت کند و حتی در حین مصاحبت برای هر لحظه آن در روایات ذکرهایی آمده است که باید گفته شود. و در نهایت مرد فقط به ارضای خود بسنده نکند؛ بلکه مطمئن شود که زن نیز به ارضاء رسیده است. این توصیه‌ها بیانگر اینست که اسلام حقوق یکسانی حتی در جزئی ترین مسائل برای مرد و زن قائل شده است و این برداشت نادرست مردان است که همواره حقوق کمتری برای زن قائلند. البته توجه به این نیاز زن و مساوی دانستن او با مرد در اینجا از طرف دانش مورد توجه است. (دانش، بی تا: ۲۵۶)

د. مراقبت زن از نامحرم

دانش توصیه می‌کند؛ زن نباید در خانه تنها باشد زیرا ممکن است به فساد کشیده شود؛ بنابراین مرد باید یکی از محارم خود یا همسرش را بعنوان دیدبان در منزل بگمارد. (دانش، بی تا: ۲۵۵) متأسفانه این گونه مراقبت، از زن نیز مربوط به نگرش و شرایط زمان دانش است که زن بدون مراقبت مردان، نمی‌توانسته از خود محافظت کند.

ه. نفقه دادن به زن

در اسلام نفقه زن بر ذمه مرد است. دانش بیان می‌کند که مرد نباید در نفقه دادن به زن خست به خرج دهد و از طرفی اسراف هم نکند و تعادل را رعایت کند و «بدان که نفقه با عیال صدقه است و دیناری که در غذا دهد و دیناری که بدان بنده‌ای را آزاد نمایند و دیناری که به مسکینی دهند، دیناری که به عیال نفقه کنند؛ ثواب این از همه فاضل تر باشد». (دانش، بی تا: ۲۵۵)

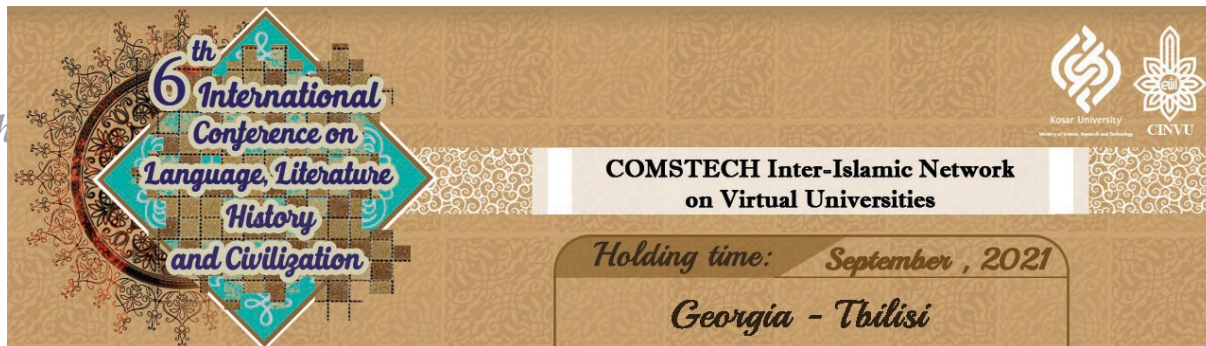
البته دانش تاکید می‌کند که مرد باید دقت کند؛ آنچه نفقه می‌کند از راه حلال بدست آمده باشد و اگر بخواهد با مال حرام مخارج خانواده را تأمین کند، در اصل به خانواده‌اش خیانت و جفا کرده است.

و. تعلیم علم ضروری به زن

دانش قبلاً اشاره کرده بود که زن نباید باسواد باشد ولی او می‌گوید مرد باید علم ضروری که شامل احکام می‌شود را به زن بیاموزد. «لااقل این مقدار بیاموزد که چون پیش از غروب حیض منقطع شود نماز پیشین و عصر را قضا باید کرد و چون پیش از صبح منقطع شود نماز شام و خفتن را قضا کند». (دانش، بی تا: ۲۵۵) منظور از علم ضروری علم بسیار اندک و فقط احکام ضروری دینی است. این در حالی است که مادر خودش زنی باسواد است و در دنیای اسلام زنان باسواد و دانشمند و حتی مجتهد وجود دارند.

ز. عدالت میان زوجات

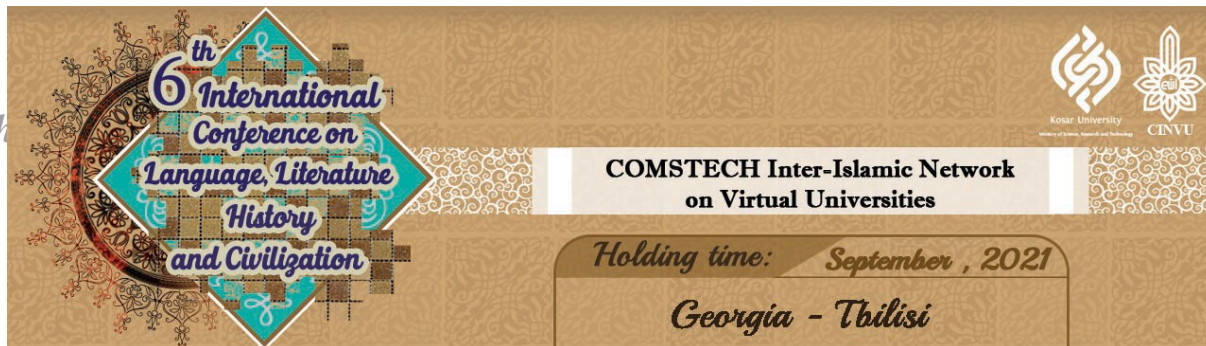
طبق دستور اسلام که گفته است: مرد در صورتی که بیش از یک زن دارد باید حتماً رعایت عدالت و مساوات را بکند؛ دانش نیز این توصیه را می‌نماید. «اگر دو زن دارد از مواجب است در شب بودن نزد هر کدام و اعطاء فرمودن به هر کدام نه در محبت و مباشرت که آن در اختیار مرد نبود». (دانش، بی تا: ۲۵۵) در این سخن اشاره به آیه عدالت درباره زوجات ۱۲۹ نساء دارد که البته فرموده است: هرگز نمی‌توانید بین زنانان عدالت برقرار کنید.



نتیجه

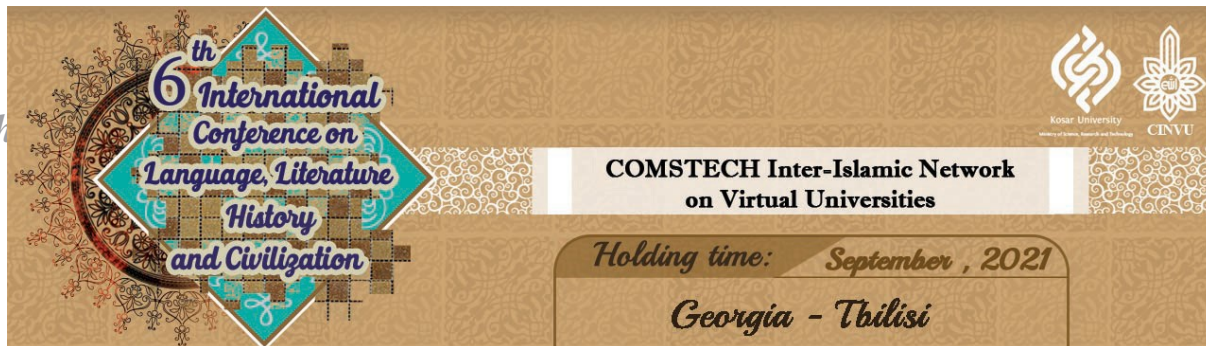
در زمان و مکان زندگی احمد دانش، زنان پرده نشینی هستند که به هیچ روی در اجتماع حضور نداشته و دخالتی در امور مردان ندارند. این قشر از جامعه در خانه ها محبوس بوده و تمام اختیارات آنها در دست مردانی است که قانونگذار و عامل قانون هستند و اختیار کامل جنس مؤنث را در دست دارند؛ از این رو نمی توان انتظار داشت که نقشی در نوشته ها و قضاوت های روزگارشان داشته باشند. به دلیل همین عدم حضور، آنچه درباره زنان می خوانیم بیاناتی منفی در تأیید عدم فکر و اندیشه برای زنان است؛ بدون این که آنان بتوانند از خود دفاع کنند.

احمد دانش در کتاب نوادرالوقایع ضمن بیان مطالب متنوعی که در علوم مختلف: سیاست، فلسفه، کلام، عرفان و دین در نوسان است، مباحثی را هم به حقوق پدر و مادر و فرزند، ازدواج، مسئله ارتباط زن و مرد و بخصوص ویژگی زنان اختصاص داده است. وی در نگاهی کلی، همه زنان را به یک چشم دیده و فرقی میان همسر، مادر و... نگذاشته و در خصوص زندگی شخصی خود و همسرش حرفی نمی زند و هیچ اشاره ای به زنان نزدیک خود نمی کند؛ ولی کلیه زنان را موجودات ناسازگار و غیر قابل تحمل دانسته و از نظر خلقت انسانی نیز میان زن و مرد تفاوت قائل شده و متأسفانه او را تا حد جمادات پایین می آورد. با بررسی نظرات وی متوجه می شویم این دیدگاه ها آبخورهای مختلفی داشته و نه تنها برگرفته از مذهب و مکتب اسلام نیست؛ بلکه برداشتهای نادرست از دین و ناشی از تأثیر جو حاکم بر آنروز بخارا است. خواننده امروزی بخصوص زنان با خواندن کتابهایی چون نوادر ممکن است نویسنده را مورد انتقاد قرار دهند؛ این در حالیست که بقیه مطالب نوادرالوقایع نشان از هوش و ذکاوت و اندیشه ای فراتر از زمان و مکان نویسنده دارد و به بسیاری از مشکلات جامعه نگاه تیزبینانه و منتقدی دارد و حتی راهکارهای فراتر از زمان نیز می دهد. وی در بیان نظرات خود در خصوص زنان تحت تأثیر فرهنگ مردسالار زمان خود قرار دارد. فرهنگی که حتی نظر دانشمند و روشنفکری چون دانش که خود یکی از پایه گذاران جریان معارف پروری در بخارا است را در خصوص زنان تغییر نمی دهد و به این اندیشه وانی دارد که وضع زنان باید تغییر کند و او فقط به انتقاد از قشر زنان می پردازد. او با وجود اینکه سه بار به روسیه سفر می کند و وضع زنان آنجا را می بیند و حتی از آنان تعریف و تمجید می کند، نه تنها در خصوص وضع زنان کشورش انتقادی ندارد، متأسفانه همه مشکلات را ناشی از جنس زن و آفرینش او می پندارد. البته نباید از نظر دور داشت که کشور او در زمان حیاتش بقدری درگیر مشکلاتی چون: فقر، بی عدالتی، فساد اداری و قضایی و ظلم حکومت است که زنان اصلاً دیده نمی شوند؛ چه رسد به اینکه در خصوص تغییر وضعیتشان اقدامی بخواهد صورت گیرد. بهر حال تضادهای فکری که دانش در خصوص زنان دارد باعث می شود که درباره آنان، نظرات ضد و نقیضی بدهد و خود اعتراف کند که نتوانسته زنان را بشناسد. البته باید زیر ساخت دیدگاه های وی را چون سایر نویسندگان زن ستیز، برداشت نادرست از آیات و احادیث، اسرائیلیات راه یافته در دین و آثار مسلمانان، بازمانده های اندیشه و باور و اعتقادات جاهلی، فرهنگ مردسالار روزگارش و به احتمال زیاد مشکلات شخصی و خانوادگی خود او دانست.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. آشتیانی، سیدجلال‌الدین (۱۳۷۰). طرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکمه، چاپ سوم، تهران
۴. ابن عربی، محمدبن علی (۱۳۹۶). عقله المستوفز، ترجمه محمد خواجهی، تهران، مولی.
۵. احمدبن حنبل (بی تا). المسند، بیروت، دارصدر.
۶. امین، سیده نصرت (۱۳۶۱). مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ۱۵ جلد، نهضت زنان مسلمان - تهران، نهضت زنان مسلمان.
۷. الفوزان، صالح (بی تا) احکام ویژه بانوان، ترجمه تنبیهات علی احکام تختص بالمومنات، ترجمه اسحاق دبیری، نسخه الکترونیکی.
۸. تیلا، عباس (۱۳۷۱). زن در آینه تاریخ، عباس تیلا، تهران، مؤلف.
۹. تقفی، سید محمد (۱۳۸۰) سیمای زن در نهج البلاغه، نامه مید، ش ۲، صص ۳۰-۳۶.
۱۰. جهانگیری، محسن (۱۳۷۵). محیی الدین ابن عربی چهره برجسته عرفان اسلامی، تهران، چاپ چهارم، دانشگاه تهران.
۱۱. حرّ عاملی، محمدبن حسن (۱۳۶۷). وسائل الشیعه، تهران، اسلامیه.
۱۲. حسینی، مریم (۱۳۹۹) ریشه‌های زن ستیزی در ادبیات کلاسیک فارسی، تهران، چاپ پنجم، نشر چشمه.
۱۳. دانش، احمد (بی تا). نوادرالوقایع، نسخه خطی.
۱۴. ساوجی، مریم (۱۳۷۱). حقوق زن در اسلام و خانواده، بی جا، مجرد.
۱۵. سبحانی، جعفر (۱۴۱۴ق). اصول الحدیث و احکامه، قم، موسسه الامام الصادق.
۱۶. ستاری، جلال (۱۳۸۴) مدخلی بر رمزشناسی عرفانی، تهران: نشر مرکز، چاپ دوم.
۱۷. شعیری، تاج الدین محمد (۱۳۶۳) جامع الاخبار، قم: رضی.
۱۸. صدوق، محمدبن علی (۱۳۶۷). من لا یحضره الفقیه، ترجمه علی اکبر و محمد جواد غفاری و صدر بلاغی، تهران، صادق.
۱۹. طباطبایی، محمد حسین (بی تا) ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: دارالعلم انتشارات محمدی.
۲۰. عینی، صدرالدین (۱۳۶۲) یادداشت‌ها، بکوشش سعید سیرجانی، چ اول، تهران، آگاه
۲۱. غزالی، ابو حامد محمد (۱۳۸۳). کیمیای سعادت، چ ۱۱، تهران، علمی و فرهنگی.
۲۲. کاشانی، عبدالرزاق (۱۳۸۰). مجموعه رسائل و مصنفات کاشانی، چ ۲، تهران، میراث مکتوب.
۲۳. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۸۸). کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.



۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۰ق) کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت، دارالصعب و دارالتعارف.
۲۵. گولپینارلی، عبدالباقر (۱۳۷۱). شرح و نثر مثنوی، به کوشش توفیق سبحانی چ ۲، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۲۶. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). مرآه العقول، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الانوار الجامعه اخبار الدرر ائمه اطهار، بیروت، وفا.
۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۵۷). نظام حقوق زن در اسلام، چ ۸، قم، صدرا.
۲۹. مهریزی، مهدی (۱۳۸۲) شخصیت و حقوق زن در اسلام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۰. وامبری، آرمینیوس (۱۳۷۰). سیاحت درویش دروغین در خانات آسیای میانه، ترجمه: فتحعلی خواجه نوریان، چ ۴، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۱. هادی زاده و دیگران (۱۹۸۸). ادبیات تاجیک، دوشنبه، انتشارات دانش.
۳۲. هجویری، ابوعلی عثمان (۱۳۷۵). کشف المحجوب، چ ۴، تهران، طهوری.